



## با ورود شرکت های دانش بنیان و استفاده آکامی محمدی از فکر و همت جوانان، کارگاه ایشان دوباره به رونق تولید برگشت.

موقعیت

اراده های مستحکم وقتی با امیدهای ریشه دار همراه می شوند، هر ناممکنی را ممکن می سازند. موضوعات ناراحت کننده ای که هر روز از آسمان و زمین بر سر تولید کنندگان مستقل می ریخت، رفته رفته داشت جای خود را به گشایش و خوشی برای آقای محمدی می داد. ورود شرکت های دانش بنیان و استفاده آقای محمدی از فکر جوانان و همت جهادیشان، شب های سیاه رکود را به روزهای روشن رونق تولید تبدیل کرده بود؛ اما داستان بقیه تولید کنندگان کمی متفاوت بود. هنوز عده زیادی از تولید کنندگان در آستانه ورشکستگی و یا تعطیلی بودند و این اخبار برای خانواده محمدی خوشایند نبود، چرا که شرایط مشابه را تازه تجربه کرده بودند و طعم تلخ آن را تازه از کامشان بیرون کرده بودند.

صبح یک روز جمعه، بعد از صبحانه، آقای محمدی داشت گروه های مجازی را در تلفن همراهش بررسی می کرد که ناخودآگاه با صدای بلند آهی کشید.

ستایش: وای نه! بابا ما دیگه تحملشو نداریم. اگه برای کارگاه اتفاقی افتاده لطفاً چیزی نگین!  
پدر: نه باباجون! ما که به لطف خدا اوضاعمون داره خوب می شه. البته کمک شما دوتا هم بی تأثیر نبوده.

مادر: حالا چی شده که ناراحت شدین؟

پدر: یکی از رفقا که باهم شروع کردیم، پیام زده توی گروه که کارگاهشو با همه تجهیزاتش می فروشه. معلومه که کم آورده.

ستایش: خب شما نمی تونین کمکش کنین؟

مادر: مگه حوزه کاریش با شما یکیه؟

# آیا پدر باید فقط منافع فرد را در نظر بگیرد یا به فکر دیگران هم باشد؟

پدر: نه! اون توی کار تولید پلاستیکه.  
امیرعلی: خب خودش باید یاد بگیره. بعدشم به قول قدیمیا هر کسی باید کلاه خودشو بچسبه.  
ما چی کار به بقیه داریم!  
پدر: راستش منم مثل تو فکر می کردم؛ می گفتم هر کسی باید به فکر خودش باشه؛ ولی الان بعد از این شرایط حسم عوض شده.  
امیرعلی: یعنی الان دیگه این حرفو قبول ندارین؟ هر کسی کار خودشو درست انجام بده، همه درست می شن دیگه.

پدر: واقعاً نمی دونم چی بگم. خودم هنوز به جمع بندی نرسیدم؛ ولی حسم دیگه مثل قبل نیست.  
مادر: آخه اگر هر کسی به فکر منافع فردی خودش باشه، قصه مون می شه قصه الان کشور. طرف پولاشو برمی داره و باهاش سکه و دلار و ماشین می خره تا خودش بعداً گرون تر بفروشه. خودش سود می کنه اما دودش توی چشم بقیه می ره.  
پدر: مامان راست می گه. منم به خاطر همین چیزا می گم حسم نسبت به این موضوع عوض شده.

اقتصاد کشور دچار آسیب میشه

نظر صحیح مادر

## گفت و گو در کلاس نظر شما چیه؟

- ۱- شما نظر امیرعلی را بیشتر می پسندید یا نظر مادرش را؟
- ۲- به نظر شما افزایش رفاه یک شخص می تواند لزوماً رشد جامعه را در پی داشته باشد؟
- ۳- چه رابطه ای میان رشد اقتصادی هر فرد و هر شرکت، با پیشرفت اقتصاد ملی وجود دارد؟

## نقشه راه ما در این درس به دنبال چه هستیم؟

در این درس می خواهیم دربارهٔ رشد و پیشرفت اقتصادی گفت و گو کنیم. در پایان این درس خواهیم توانست:

- نرخ رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی) را محاسبه کنیم.
- وضعیت توزیع درآمد افراد یک جامعه را براساس سهم دهک ها محاسبه کنیم.
- دربارهٔ شاخص توسعه انسانی توضیح دهیم.



# هر چه قدمت تولیدی بیشتر و درآمد بالاتر کم کند پیشرفت و قدرتمندتر

## دو عامل موثر بر افزایش قدمت تولید کشور و پیشرفت های کشور های پیشرفته (۹ ویژگی)

### تکاپو برای پیشرفت

شما ممکن است رشد خود را در افزایش سطح آگاهی و تحصیلات خود بدانید و دوست شما رشد خودش را در ایجاد و گسترش یک کسب و کار درآمدزا می بیند. در اقتصاد معمولاً کشورهایی را که از قدرت تولیدی بالاتر و درآمد بیشتری برخوردار باشند، پیشرفته تر می دانند. افزایش قدرت تولید کشور در گرو افزایش قدرت تولید شرکت های تولیدی و سازو کارهای مناسب برای ایجاد کسب و کار و دادوستدهای مناسب است. کشورهای پیشرفته معمولاً درآمد و تولید بالایی دارند و درآمدها به صورت عادلانه تری توزیع شده است و تعداد بیکاران این کشورها نیز کم است. رشد و پیشرفت، نقطه مقابل رکود است. یک کشور پیشرفته در برابر شوک های اقتصادی، قدرت مقاومت دارد؛ از ثبات نسبی قیمت ها و بازارها برخوردار است؛ می تواند در شرایط بحرانی نیازهای اولیه خود را تأمین و حتی مازاد آن را صادر کند. معمولاً کشورهای پیشرفته از سطح سواد و بهداشت عمومی بالایی برخوردارند و روحیه اعتماد و همبستگی میان مردم این کشورها برای تکاپو و تلاش اقتصادی، برجسته است. کشورهای پیشرفته در سطح منطقه و جهان تأثیر گذارند. در یک کلمه، کشورهای پیشرفته، کشورهای قدرتمندی محسوب می شوند و بقیه روی آنها حساب باز می کنند. پیشرفت اقتصادی کشور دارای مؤلفه هایی است که می توان مهم ترین آنها را رشد اقتصادی، شاخص های توسعه انسانی (نظیر بهداشت، سواد و امید به زندگی) و شاخص توزیع عادلانه درآمد دانست.

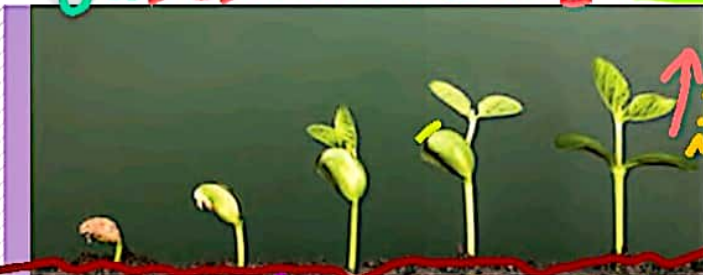
## مهم ترین مؤلفه های پیشرفت اقتصادی یک کشور

### رشد اقتصادی، رشد یعنی چه؟ در چه صورت می گوئیم یک جامعه به رشد اقتصادی رسیده است؟

اگر در جامعه ای میزان تولید در دوره ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد، می گوئیم در آن جامعه رشد صورت گرفته است. رشد به معنای افزایش تولید است؛ بنابراین مفهومی کمی است. کشورها معمولاً با سرمایه گذاری بیشتر یا به کارگیری روش های بهتر و فناوری مناسب تر، ظرفیت تولیدی خود را افزایش می دهند و این امر به درآمد بیشتر می انجامد. به همین دلیل گاهی افزایش شاخص رشد یک کشور را با افزایش درآمد آن معادل در نظر می گیرند.

یک منشأ رشد اقتصادی افزایش در منابع است؛ برای مثال، اگر جمعیت در طول زمان رشد کند، به طور کلی عرضه نیروی کار هم افزایش می یابد. سرمایه های فیزیکی کشور می تواند با سرمایه گذاری در کارخانه ها، ساختمان ادارات، ماشین آلات و مغازه ها افزایش یابد. سرمایه انسانی با آموزش افزایش می یابد. با منابع در دسترس بیشتر، یک کشور می تواند کالا و خدمات بیشتری تولید کند.

### یک منشأ رشد اقتصادی و مثال



کشورها معمولاً از دو طریق می توانند ظرفیت تولیدی خود را افزایش دهند

افزایش ظرفیت تولیدی = تولیدی + درآمدی = رشدی پس:

۱-growth

میزان تولید = میزان درآمد به همین دلیل شاخص رشد اقتصادی هم می تواند افزایش تولید باشد و هم افزایش درآمد

هر چه منابع بیشتری = تولید کالا و خدمات بیشتری = رشدی



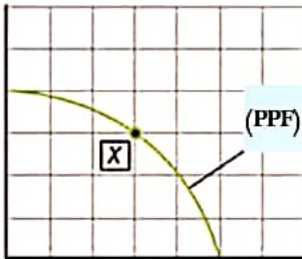
## بررسی رشد با الگوی مرز امکانات تولید

از الگوی مرز امکانات تولید که در درس چهارم فرا گرفتید، می‌توانیم برای نشان دادن تأثیرات رشد اقتصادی استفاده کنیم. به نمودار سمت چپ از شکل زیر نگاه کنید. محور افقی مقدار غذای تولید شده در کشور را نشان می‌دهد و محور عمودی همه مقادیر از کالاهای دیگر؛ یعنی کالاها و خدمات به جز غذا را که در کشور تولید شده است، نشان می‌دهد. تصمیم‌گیری بین یک واحد «غذا» و یک واحد «از کالاهای دیگر» واقعاً دشوار است؛ اما به این فکر کنید که واحد «غذا» همه انواع غذاها و واحد «کالاهای دیگر» همه انواع کالاها و خدمات را دربرمی‌گیرد.



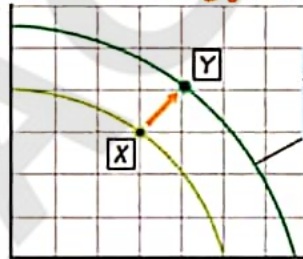
## آپنه بامث شده کشور از نقطه X به نقطه Y برسد، چیت؟ - رشد اقتصادی در کشور به علت امتزاش ظرفیت تولید بوهودت موه.

مقدار بقیه کالاها



مقدار غذا

مقدار بقیه کالاها



مقدار غذا

منحنی مرز امکانات تولید بعد از رشد اقتصادی

منحنی مرز امکانات تولید (PPF)

## سرمایه گذاری بیشتر ← تولید بیشتر ← رشد بیشتر ← انتقال منحنی به بالا



▲ رشد اقتصادی و منحنی مرز امکانات تولید

رشد اقتصادی، منحنی را به سمت راست - بالا، منتقل می‌کند که نشان دهنده امکان بیشتر تولید در کشور است.

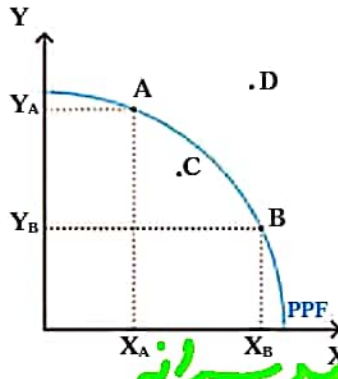
فرض کنید کشوری ابتدا نقطه X را انتخاب می‌کند. روشن است که مردم مقدار بیشتری از غذا و سایر کالاها می‌خواهند تا سلامتی و رفاه بیشتری داشته باشند. اگر با صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهند، با گذشت زمان، ظرفیت تولیدی آنها توسعه می‌یابد و مرز امکانات تولید به سمت بالا منتقل می‌شود. نمودار سمت راست شکل بالا مرز امکانات قبلی و مرز امکانات جدید را نشان می‌دهد. رشد اقتصادی به کشور امکان می‌دهد تا غذا و کالاهای دیگر بیشتر و بیشتری را تولید و مصرف کند.

رشد اقتصادی یک هدف مشترک است، زیرا کشور را قادر می‌سازد کالاها و خدمات بیشتری تولید کند و گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته‌های شهروندان خود بردارد. وقتی که اقتصاد رشد می‌کند، کشور قادر است از هر چیزی مقدار بیشتری تولید کند. با این حال هر کشور برای اینکه از مواهب رشد اقتصادی در آینده لذت ببرد، باید چیزهایی را در زمان حال در اقتصاد فدا کند؛ باید منابعی را که می‌توانست برای ساختن کالاهای مصرفی در زمان حال استفاده شود، برای ساختن انواع سرمایه‌ها و توسعه روش‌های تولید بهتر برای آینده صرف کند. همان‌طور که شما هم گاهی از بعضی خریدهای لذت‌بخش صرف نظر می‌کنید تا پولتان را برای انتخاب‌های دیگری در آینده که زندگی شما را بهتر می‌کند، پس‌انداز کنید. (مهنوم هزینه فرصت)

## تولید بیشتر ← رشد اقتصادی بیشتر ← تأمین نیازهای مردم بیشتر ← رفاه بیشتر



# برای اندازه گیری رشد اقتصادی، به میزان رشد تولید در طول سال می نگرند.



## فعالیت فردی در کلاس

در درس چهارم با مفهوم کارایی آشنا شدیم و در این درس درباره رشد سخن گفتیم. تفاوت بین دستیابی به کارایی و رشد اقتصادی را با کمک نمودار توضیح دهید.



## تعریف تولید ناخالص داخلی - درآمد ملی - درآمد سرانه

### چگونه رشد اقتصادی را اندازه گیری کنیم؟ تولید ناخالص داخلی

همان طور که گفتیم، رشد به معنای افزایش تولید است. بنابراین اقتصاددانان برای اندازه گیری رشد، به میزان رشد تولیدات یک کشور در طول سال می نگرند. تولید ناخالص داخلی یک کشور (GDP) ارزش پولی همه کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزهای یک کشور در طول یک سال است. با فرض اینکه هر تولید داخلی، درآمدی را برای تولیدکنندگان آن ایجاد کرده است، می توان درآمد داخلی را نیز معادل تولید داخلی دانست. درآمد داخلی، مجموع درآمدهایی است که در طول سال برای کشور به دست می آید. با تقسیم درآمد داخلی به جمعیت کشور، درآمد سرانه به دست می آید.

برای فهم بهتر تولید داخلی، بر پنج کلیدواژه مهم این تعریف تمرکز می کنیم: «ارزش پولی»، «همه کالاها و خدمات»، «نهایی»، «درون مرزهای کشور» و «در یک سال».

**ارزش پولی:** برای اندازه گیری تولید کشور، نیاز به یک واحد مشترک داریم که بتوانیم هر چیزی را که تولید شده است، اندازه گیری کنیم. از هر واحد اندازه گیری مثل کیلوگرم هم می شود استفاده کرد؛ اما شاید نتیجه مفید نباشد؛ چرا که قطعاً یک کیلوگرم چپس سیب زمینی با یک کیلوگرم چپس رایانه قابل جمع شدن نیست! در عوض وقتی همه را به ارزش پولی که از بازار به دست آمده برگردانیم و آنها را جمع کنیم، منطقی تر می شود. در این صورت صرف نظر از ابعاد و اندازه و وزن، هر کالا با ارزشی که در بازار داشته در محاسبه مقدار تولید لحاظ خواهد شد.

**کالا و خدمات:** تولید فقط محدود به تولید کالاهایی مانند توپ و لبنیات نیست، بلکه خدماتی مانند خدمات لوله کشی، خلبانی هواپیما، رانندگی کامیون و معاینه پزشکی هم تولید است و باید در محاسبه ما لحاظ شود.

**تولید نهایی:** برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی، تنها کالا و خدمات نهایی را در نظر می گیریم، نه محصولات واسطه ای را؛ چرا که کالاها و خدمات واسطه ای همگی در تولیدات نهایی محاسبه شده اند و اگر آنها را هم جداگانه محاسبه کنیم، دچار خطای محاسبه مجدد می شویم. مثال پنبه و لباس را (در درس مالیات بر ارزش افزوده)، به یاد آورید. برای محاسبه ارزش لباس های تولید شده، لازم نیست ارزش محصولاتی نظیر پنبه و نخ و پارچه را نیز جداگانه محاسبه کنیم؛ بلکه با محاسبه ارزش کل لباس های تولید شده، خود به خود ارزش کالاهای واسطه ای که در آن به کار رفته است نیز محاسبه می شود.

۱- Gross Domestic Product

۲- در کنار شاخص تولید (درآمد) ناخالص داخلی، اقتصاددانان گاهی از شاخص تولید (درآمد) ملی نیز استفاده می کنند. در تولید ناخالص داخلی، مجموع تولید یک کشور در داخل مرزهای آن مدنظر است اما در تولید (درآمد) ملی، ارزش همه کالاها و خدمات تولید شده توسط مردم یک کشور، چه در داخل و چه در خارج مدنظر است.



تقریب تولید (درآمد) ملی: **چرا فقط تولید نهایی محاسبه می شود؟ مثال**

درآمد ملی = تولید داخلی  
درآمد ملی = تولید ملی

درآمد ملی = درآمد سرانه × جمعیت



# تولیداتی که داخل ایران صورت می‌گیرد، فرقی نمی‌کند تر کیبلنته، ایران باشه یا خارجی

**داخل مرزهای یک کشور:** تولید ناخالص داخلی، کالاها و خدماتی را که در داخل مرزهای یک کشور تولید می‌شود، اندازه می‌گیرد؛ صرف نظر از اینکه چه شهروندی آن را تولید کرده است. از این رو، تولید ناخالص داخلی ایران، جمع تمام تولیداتی است که شرکت‌ها و افرادی که در ایران فعالیت می‌کنند، آنها را تولید کرده‌اند؛ حتی اگر بخشی از این تولید متعلق به خارجی‌ها باشد.

**در یک سال:** تولید ناخالص داخلی تنها شامل کالاهای نهایی و خدمات تولید شده در یک سال تقویمی از اول فروردین تا پایان اسفند است. این مقدار شامل فروش اقلام باقی مانده از سال قبل نمی‌شود؛ یعنی چیزهایی که در یک سال تولید می‌شود و در سال بعد فروخته می‌شود.

## کار بدون دستمزد کالاها دست دوم تولیدات اقتصاد زیرزمینی

مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند

به دلیل دشواری‌های محاسباتی برخی از اقلام تولیدی در اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شوند:

**اول:** کار بدون دستمزد؛ مانند کارهایی که در خانه انجام می‌گیرد یا خدماتی که در خیریه‌ها به صورت داوطلبانه ارائه می‌شود و پولی برای آنها رد و بدل نمی‌گردد، اگرچه دارای ارزش بالایی هستند، اما در محاسبات تولید ناخالص داخلی غایب‌اند! **ارز مضمّن هستند اما چون پول رد و بدل نمی‌شود محاسبه نمی‌شوند.**

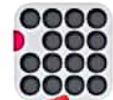
**دوم:** ارزش حاصل از خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله خودرو، مبلمان یا خانه در محاسبات لحاظ نمی‌شوند. این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده‌اند، به حساب آمده‌اند.

**سوم:** تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق که اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست و عملاً محاسبه آنها مشروعیت بخشی به این گونه فعالیت‌ها تلقی می‌شود.

محاسبه نمی‌شود

## فعالیت خارج از کلاس اثر از تولید ناخالص داخلی، استهلاک

تولید خالص و ناخالص! **را کم کنیم، تولید خالص داخلی، بدستی آید.** شاید برای شما این پرسش به وجود آمده باشد که واژه ناخالص در عبارت تولید ناخالص داخلی، چیست و تفاوتش با خالص در کجاست؟ در این باره تحقیق کنید.



کالاها بی‌کافه این تولید به مارگرفته می‌شوند



مثل تراکتور - ابزار تولید و ... به مرور زمان کهنه و فرسوده می‌شوند

**استهلاک = تولید ناخالص داخلی - تولید خالص داخلی**

۱۲۱

بخشی از تولیدات (درآمد) کشور، صرف تعمیر یا جایگزینی این ماشین‌آلات و کارخانه‌ها و نظایر آن می‌شود. این تعمیر یا جایگزینی برابر جامعه است که بر آن هزینه استهلاک می‌شود.



## محاسبه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن

برای محاسبه تولید ناخالص داخلی، مجموع ارزش کالاهای تولید شده کشور را در یک سال محاسبه می کنیم. همچنین اگر بخواهیم بدانیم تولیدات سال جاری نسبت به سال قبل، چه میزان رشد داشته است، می توانیم از رابطه زیر استفاده کنیم:

$$\text{نرخ رشد تولید} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال جاری} - \text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} \times 100$$

مهم ترین دلیل برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی، نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان است. اما چون تولید ناخالص داخلی به واحد پولی اندازه گیری می شود، با یک مشکل مواجه هستیم: قیمت کالاها و خدماتی که تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهند به طور مداوم در حال تغییر است. برای مثال، فرض کنید یک میلیون خودرو در ایران در سال جاری تولید شود و میانگین قیمت یک خودرو ۵۰ میلیون تومان باشد. مجموع تولیدات خودرو برای سال جاری عبارت است از:

۱ میلیون  $\times$  ۵۰ میلیون تومان = ۵۰ هزار میلیارد تومان

۱ میلیون  $\times$  ۶۰ میلیون = ۶۰ هزار میلیارد تومان

حال اگر سال بعد قیمت متوسط خودرو به ۶۰ میلیون افزایش یابد، برآورد ۱۰ هزار میلیارد تومانی برای تغییر تولید نادرست است؛ چرا که در واقع، همان یک میلیون خودرو تولید شده است و تنها قیمت ها تغییر کرده است! اقتصاددانان برای حل این مشکل راه حلی دارند؛ قیمت های محاسباتی باید در سالی که به آن سال پایه گفته می شود، ثابت فرض شوند. به این ترتیب اثرات انحرافی تغییر قیمت بر محاسبه تولید حذف می شود و تولید واقعی اندازه گیری می شود.

سال پایه ←

هر ساله قیمت ها تغییر می کنند

بنابراین برای بدست آوردن مقدار واقعی تولید، سالی را به عنوان سال پایه در نظر می گیریم تا تاثیر تغییر قیمت ها بر محاسبه تولید از بین برود.

تولید ناخالص داخلی را برای اقتصادی با دو کالا و قیمت های زیر به صورت اسمی و واقعی محاسبه کنید:

سال	پیتزا		شکلات	
	قیمت (P)	مقدار (Q)	قیمت (P)	مقدار (Q)
۱۳۹۵	۱۰۰۰۰ تومان	۴۰۰	۲۰۰۰ تومان	۱۰۰۰
۱۳۹۶	۱۱۰۰۰ تومان	۵۰۰	۲۵۰۰ تومان	۱۱۰۰
۱۳۹۷	۱۲۰۰۰ تومان	۶۰۰	۳۰۰۰ تومان	۱۲۰۰

برای بدست آوردن GDP اسمی: مقدار هر کالا در قیمت سال جاری ضرب می کنیم و بعد مجموع را به دست می آوریم.

برای بدست آوردن GDP واقعی: مقدار هر کالا را در قیمت سال پایه ضرب می کنیم و بعد مجموع را به دست می آوریم.



محاسبه GDP اسمی در هر سال: **بر اساس قیمت ها سال جاری**

افزایش

نرخ رشد اسمی: (غیر واقعی)

٪۳۷/۵

٪۳۰/۹

$$6'000'000 = 1000 \times 2000 + 400 \times 10'000 : 1395$$

$$8'250'000 = 1100 \times 2500 + 500 \times 11'000 : 1396$$

$$10'800'000 = 1200 \times 3000 + 600 \times 12'000 : 1397$$

محاسبه GDP واقعی در هر سال با استفاده از سال ۱۳۹۵ به عنوان سال پایه: **بر اساس قیمت ها سال پایه**

نرخ رشد واقعی:

٪۲۰

٪۱۶/۷

$$6'000'000 = 1000 \times 2000 + 400 \times 10'000 : 1395$$

$$7'200'000 = 1100 \times 2000 + 500 \times 10'000 : 1396$$

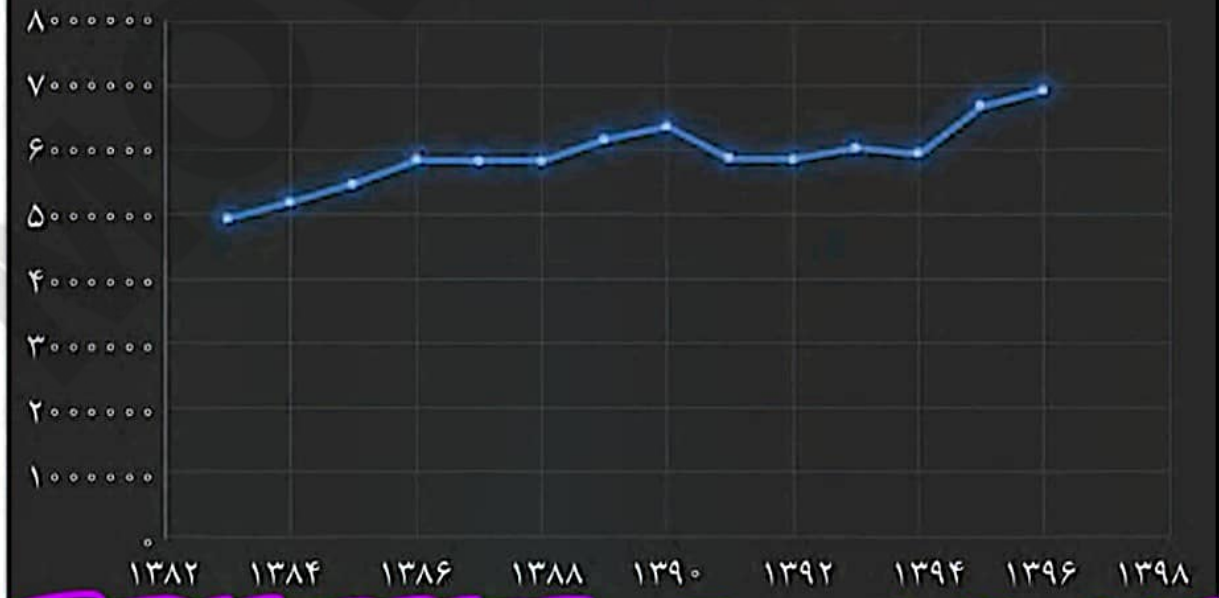
$$8'400'000 = 1200 \times 2'000 + 600 \times 10'000 : 1397$$

### مقایسه مقادیر GDP اسمی و واقعی و تحلیل آن

معمولاً از نمودارهای رشد تولید ناخالص داخلی، برای نشان دادن رشد اقتصادی کشورها استفاده می شود. نمودار زیر تولید ناخالص داخلی کشور ما را از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶ نشان می دهد.

**در سال پایه (در اینجا سال ۹۵) مقادیر GDP اسمی و واقعی برابرند.**

تولید ناخالص داخلی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶ به میلیارد ریال (سال پایه: ۱۳۹۰)



**چرا مقدار GDP اسمی در سال ۹۶ و ۹۷ از مقدار GDP واقعی بیشتر است؟**

چون در GDP اسمی، محاسبه بر اساس قیمت ها سال جاری انجام می شود و قیمت ها هر ساله افزایش داشته، پس دلیل این بیشتر بودن مقدار افزایش قیمت ها می باشد، نه افزایش مقادیر. اما در GDP واقعی با در نظر گرفتن سال پایه، قیمت ها را ثابت گرفته و مقدار واقعی تولید به دست آمده.



# میزان تولیدات یک کشور، فقط میزان رشد آن کشور را نشان می‌دهد و میزان رفاهیت

کشمه را نشان می‌دهد. یعنی از ثبات‌های کشور می‌توان به میزان پیشرفت کشور را نشان داد

## شاخص‌های دیگر اندازه‌گیری پیشرفت اقتصادی

اقتصاددانان به ما می‌گویند که شاخص‌های مربوط به رشد کمی اقتصاد و افزایش تولید ناخالص، به تنهایی نمی‌تواند نشان‌دهنده میزان پیشرفت یک کشور باشد. پیشرفت کشور فقط محدود به رشد کمی آن، یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی نیست؛ بلکه ابعاد دیگری نیز دارد. فرض کنید کشوری از لحاظ میزان درآمد و تولید ناخالص داخلی، وضعیت مطلوبی دارد. این به معنای آن است که کشور در زمینه رشد ثروت، پیشرفت خوبی داشته است. اما آیا می‌توان نتیجه گرفت که این کشور در توزیع ثروت تولید شده در میان مردم نیز پیشرفته است؟ اقتصاددانان معمولاً در این مورد از مثال کیک استفاده می‌کنند. آیا بزرگ‌تر شدن یک کیک، به معنای آن است که سهم افراد مختلف از آن کیک عادلانه است؟ بسیاری از کشورهایی که دارای رشد درآمد بالایی هستند، نظیر چین و آمریکا، گرفتار نابرابری درآمدی اند؛ بدین معنی که بخش بزرگی از ثروت تولید شده، تنها به گروه‌های محدودی از جامعه تعلق دارد و اکثریت جامعه از درآمد کمتری برخوردارند. برای نشان دادن وضعیت نابرابری در اقتصاد از شاخص‌های گوناگونی استفاده می‌شود که ما به یکی از آنها اشاره می‌کنیم.

توزیع درآمد جامعه می‌باشد.

## شاخص دهک‌ها: برای سنجش وضعیت رفاهی (چگونگی) توزیع درآمد

یکی از شاخص‌های سنجش وضعیت توزیع درآمد، شاخص «دهک»هاست. از شاخص دهک‌ها در برخی گزارش‌های اقتصادی و به منظور نشان‌دادن پیشرفت‌هایی که در زمینه عدالت اقتصادی روی داده است، استفاده می‌شود. برای محاسبه این شاخص، مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند. در طبقه‌بندی این ده گروه، سطح درآمد از کمترین به بیشترین مدنظر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، گروه اول، که ده درصد اولیه جمعیت را تشکیل می‌دهند، کمترین درصد درآمد ملی و ۱۰ درصد آخر بیشترین درصد درآمد ملی را دارند. آمارهای

جدول وضعیت توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱

سهم دهک اول	۲٫۷ درصد
سهم دهک دوم	۴ درصد
سهم دهک سوم	۵ درصد
سهم دهک چهارم	۶ درصد
سهم دهک پنجم	۷٫۲ درصد
سهم دهک ششم	۸٫۴ درصد
سهم دهک هفتم	۱۰ درصد
سهم دهک هشتم	۱۲ درصد
سهم دهک نهم	۱۵٫۷ درصد
سهم دهک دهم	۲۹ درصد
۱۰۰ درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی

مربوط به سهم این دهک‌ها در جامعه، چگونگی توزیع درآمد را نشان می‌دهد. جدول روبه‌رو بیانگر چگونگی توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱ است.

دهک اول: کمترین درآمد را دارند  
دهک دهم: بیشترین درآمد را دارند  
هرچه فاصله سهم دهک اول و دهک دهم بیشتر باشد، توزیع درآمد در کشور، نامناسب‌تر است.

میزان تولید و درآمد (ثروت) بالا در کشور نشان‌دهنده رشد اقتصادی کشور است  
میزان تولیدات و درآمد (ثروت) بالا در کشور نشان‌دهنده پیشرفت اقتصادی کشور است  
مناسب و عادلانه میان مردم





در کشوری با ده میلیون نفر جمعیت، درآمد ملی معادل ۵۰,۰۰۰ میلیارد ریال است. اگر فرض کنیم که توزیع درآمد در این کشور دقیقاً مطابق با درصدهای مشخص شده در جدول صفحه قبل است، سهم هر دهک از درآمد ملی را تعیین کنید.

$$\text{سهم دهک دوم} = \frac{\text{شماره وضعیت توزیع در آن دهک}}{\text{سهم دهک اول}}$$

وضعیت توزیع درآمد

با محاسبه نسبت دهک دوم به دهک اول در کشورهای مختلف، شاخصی به دست می آید که برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد به کار می رود. هرچه این نسبت بیشتر باشد، توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب تر است.

در جدول صفحه قبل، سهم دهک دوم از درآمد ملی حدود ده برابر سهم دهک اول است.

گاهی درآمدهای مردم برای به دست آوردن شاخص دهک ها، قابل ثبت نیست. به همین دلیل اقتصاددانان برای

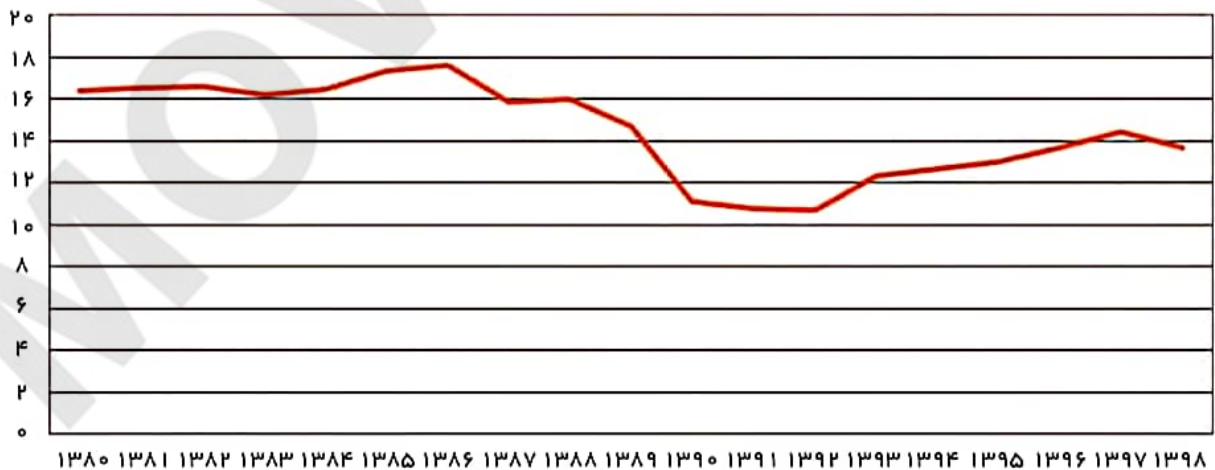
به دست آوردن اختلاف درآمدی، اختلاف هزینه های را محاسبه می کنند. در این حالت هزینه خانوار نماینده درآمد آن است.

نمودار زیر نشان می دهد که در سال ۱۳۸۰، دهک دوم (ده درصد ثروتمند جامعه)، شانزده برابر دهک اول (ده

درصد فقیر جامعه) درآمد داشته اند. این رقم برای سال ۱۳۹۰ به یازده برابر و در سال ۱۳۹۶، به چهارده برابر

رسیده است. آیا می توانید وضعیت نابرابری درآمدی را با توجه به این نمودار، در سال های مختلف تحلیل کنید؟

هرچه نسبت دهک دوم به دهک اول عدد بزرگتری باشد، توزیع درآمد در جامعه نامناسب تر است (فاصله طبقاتی بیشتر است) سهم ثروتمندترین دهک به فقیرترین دهک از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸



منبع: استخراج شده از داده های مرکز آمار ایران

امداد محور عمودی فاصله نسبی دهک دوم به دهک اول هست

در سال ۸۰، دهک دوم ۱۶ برابر دهک اول درآمد داشته اند

در سال ۹۰، این نسبت ۱۱ برابر بوده است چون نسبت

۱-income distribution

دهک دوم به دهک اول در سال ۹۰ عدد کوچکتری نسبت به

وضعیت توزیع درآمد در کشور، در سال ۹۰ مناسب تر و

عادلانه تر از سال ۸۰ بوده است.









## بیشتر بدانیم

### عدالت، رشد و پیشرفت متوازن

تا به حال از رشد سرطانی چیزی شنیده‌اید؟ سلول‌های سرطانی سلول‌هایی هستند که رشد و تکثیر آنها، غیرمتعادل است و از این رو توازن و تعادل بدن را درهم می‌ریزند. اگر جامعه را به بدن انسان تشبیه کنیم، سلامت اجتماعی در گرو پیشرفت هماهنگ و متوازن همه اجزای آن است. همان‌طور که اگر برخی از اجزای بدن، ناهماهنگ با کل بدن رشد کند، ترکیبی ناهنجار و کاریکاتوری از انسان به وجود می‌آید. رشد ناهماهنگ اجزای یک جامعه نیز، رشد آن جامعه را کاریکاتوری و غیرعادلانه خواهد ساخت.

جامعه‌ای را تصور کنید که در آن امکانات و منابع آن، مثل خونی که در بدن در حال گردش است، صرفاً به افراد محدودی تعلق گیرد. به این ترتیب توزیع ثروت در کل جامعه نامتعادل می‌شود و افراد محدودی، بیشترین سهم از ثروت را نصیب خود خواهند ساخت. رشد ثروت در چنین جامعه‌ای که با اختلاف و شکاف طبقاتی روبه‌روست، ناعادلانه و کاریکاتوری است. در

این جوامع که فیلسوفان و دانشمندان ما، از جمله فارابی، آن را جامعه نذاله می‌نامند، سرمایه‌داران و سوداگرانی که فقط به فکر منافع شخصی خودشان هستند، حکومت می‌کنند و با ایجاد انواع انحصارات، فعالیت‌های غیرمولد و زدوبندهای نامشروع و زیاده‌خواهی‌ها، نمی‌گذارند جامعه رشد و پیشرفت متوازن را تجربه کند. در نظام سرمایه‌داری جهانی، زیر عنوان آزادی اقتصادی، شاهد انواع بی‌عدالتی‌ها و اختلافات طبقاتی هستیم و این نشانه رشد سرطانی و نامتوازن است.

در جمله نذاله:

هدف،

اسیر

به ثروت است

و ملاک برتری

توانایی

است.



## به دلیل وجود تفاوتها در کشورها، روشها و برنامه‌ها در کشورها

### الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

هرچند شاخص‌های توسعه انسانی در کنار شاخص‌های رشد تولید، تصویر مناسب‌تری از پیشرفت یک کشور ارائه می‌کند؛ اما آیا به نظر شما این تصویر از پیشرفت کامل است؟ آیا شاخص‌های دیگری مانند مبارزه با فساد، بهبود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، موضوعات محیط‌زیستی و پیشرفت‌های فرهنگی و معنوی را نباید در ارزیابی از پیشرفت‌مان در نظر بگیریم؟ آیا به نظر شما تفاوت‌های بومی و محلی و تاریخی و فرهنگی کشورها در تعیین شاخص‌های پیشرفت دخالتی ندارد؟ آیا ارزش‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه ما با جوامع اروپایی، آمریکایی یا چینی یکسان است؟ اگر یکسان نیست، این تنوع ارزش‌ها و آداب و رسوم چگونه در شاخص‌های پیشرفت یک کشور خود را نشان می‌دهد؟ آیا عدالت اقتصادی و اجتماعی به همان اندازه برای ما اهمیت دارد که برای کشورهای سرمایه‌داری غربی؟ آیا نگاه ما به زندگی انسان‌ها با نگاه ژاپنی‌ها به زندگی انسان‌ها هیچ تفاوتی ندارد؟ رشد و توسعه بخشی از پیشرفت کشور ماست، اما همه آن نیست.

برنامه‌ها در کشورها  
به پیشرفت  
بیان  
نیست

برای ارائه تصویر کامل و مناسب‌تر از پیشرفت یک کشور: در کنار شاخص‌های مادی  
با به دست آمدن معیار دیگری مثل: مبارزه با فساد، بهبود فضای کسب و کار،  
تفاوت‌های بومی، تاریخی، فرهنگی و... در کشورها، توجه کرد.



برخی از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در طول سده‌های گذشته، از شاخص‌های توسعه و همچنین نهادهایی که ظاهراً با هدف توسعه اقتصادی به وجود آمده‌اند، برای تحمیل الگوها و سبک زندگی غربی استفاده کرده‌اند. در کشور ما هر چند تلاش‌هایی در جهت استقرار نظام اقتصادی اسلام صورت گرفته است؛ اما متأسفانه همچنان نهادهای سرمایه‌داری، در جهت انباشت ثروت در دست عده‌ای محدود و توزیع ناعادلانه آن، فعالیت دارند. این نگرانی‌ها باعث شده است تا اندیشمندان کشورمان به فکر دستیابی به یک الگوی بومی برای پیشرفت باشند. الگویی که با شرایط فرهنگی، اقلیمی و تاریخی کشور سازگار باشد و بتواند راه روشنی را پیش پای مردم ما قرار دهد. الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، آغاز حرکتی مستمر و بلندمدت است برای دستیابی به یک الگوی پیشرفت بومی که با فرهنگ ما سازگاری داشته باشد.

## برای تفکر و تمرین



۱- فرض کنید کل اقتصاد کشور ما از دو شرکت تولیدی بزرگ تشکیل شده باشد. مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت اول برابر با یک میلیارد تومان و مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت دوم، برابر با ۵۰۰ میلیون تومان است. با توجه به این دو فرض به سوالات زیر پاسخ دهید:

- تولید ناخالص داخلی اسمی کشور، برای سال جاری چقدر است؟
- اگر سهم هر کدام از شرکت‌ها در تولید ناخالص داخلی ثابت و مطابق با نسبت تولیدات آنها برای سال جاری باشد و نیز اگر اقتصاد کشور از سال قبل تا امسال ده درصد رشد داشته باشد، ارزش اسمی تولیدات هر دو شرکت را برای سال قبل، محاسبه کنید.

۲- کدام یک از موارد زیر صرفاً نشان‌دهنده رشد اقتصادی است و کدام یک، نشان‌دهنده پیشرفت اقتصادی کشور است؟

- افزایش درآمد هر یک از کارکنان و کارگران شرکت‌ها
- نزدیک شدن سهم دهک اول از کل درآمد کشور به سهم دهک دهم
- افزایش درآمد خریداران کالاها و محصولات تولید شده
- افزایش میانگین سال‌های تحصیلی کارمندان شرکت‌ها

## تحلیل کنید



- چه تفاوتی بین رشد و پیشرفت وجود دارد و برای هر کدام چه شاخص‌هایی وجود دارد؟
- از نظر شما چه رابطه‌ای میان پیشرفت اقتصادی یک کسب‌وکار و پیشرفت اقتصاد ملی وجود دارد؟





مقرن ۱

صفحه ۱۲۸ کتاب

۱- فرض کنید کل اقتصاد کشور ما از دو شرکت تولیدی بزرگ تشکیل شده باشد. مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت اول برابر با یک میلیارد تومان و مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت دوم، برابر با ۵۰۰ میلیون تومان است. با توجه به این دو فرض به سؤالات زیر پاسخ دهید:

**الف) تولید ناخالص داخلی اسمی کشور، برای سال جاری چقدر است؟ GDP اسمی؟**  
**ب) اگر سهم هر کدام از شرکتها در تولید ناخالص داخلی ثابت و مطابق با نسبت تولیدات آنها برای سال جاری باشد و نیز اگر اقتصاد کشور از سال قبل تا امسال ده درصد رشد داشته باشد ارزش اسمی تولیدات هر دو شرکت را برای سال قبل، محاسبه کنید.**

۲۰

**الف) چون GDP اسمی را می خواهرگانیت در عدد را با هم**

**جمع کنیم.**

$$1,000,000,000 + 500,000,000 = 1,500,000,000$$

**ب) بر اساس فرمول نرخ رشد تولید محاسبه می کنیم**

$$\text{نرخ رشد تولید} = \frac{\text{GDP سال جاری} - \text{GDP سال قبل}}{\text{GDP سال قبل}} \times 100$$

**ارزش اسمی تولیدات سال قبل شرکت اول:**

$$x = \frac{1,000,000,000 - x}{10}$$

$$\rightarrow \frac{1}{10} = \frac{1,000,000,000 - x}{x} \rightarrow x = 1,000,000,000 - 10x$$

$$\rightarrow x + 10x = 1,000,000,000 \rightarrow 11x = 1,000,000,000$$

$$\rightarrow x = \frac{1,000,000,000}{11} \Rightarrow x = 90,909,090.9$$

**ارزش اسمی تولیدات سال قبل شرکت دوم:**

$$x = \frac{500,000,000 - x}{10}$$

$$\rightarrow \frac{1}{10} = \frac{500,000,000 - x}{x} \rightarrow x = 500,000,000 - 10x$$

$$\rightarrow x + 10x = 500,000,000 \rightarrow 11x = 500,000,000$$

$$\rightarrow x = \frac{500,000,000}{11} \Rightarrow x = 45,454,545.45$$



## «نمونه سوالات کنگوری»

### تولید ناخالص داخلی - تولید خالص داخلی - درآمد سرانه - استهلاك

۱- با توجه به رقم تولیداتی که در طول یکسال توسط یک جامعه بدست آمده است تولید ناخالص داخلی - خالص داخلی - تولید خالص داخلی سرانه را بدست آورید. (کنگور ۸۵)

جمعیت کشور ۵۰ میلیون نفر می باشد.

مواد غذایی ۵۰۰ تن از قرار هر تن ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ماشین آلات ۵۰۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

پوشاک ۱۵۰۰۰ عدد از قرار هر عدد ۵۰۰/۰۰۰ ریال

خدمات  $\frac{2}{3}$  ارزش پوشاک

هزینه استهلاك  $\frac{2}{25}$  ارزش ماشین آلات

\*اولین قدم در حل این مسئله اینست که واحد موارد خواسته شده را بررسی کنیم اگر واحد یکسان بود به حل مسئله اقدام شود اگر یکسان نبود باید واحد را یکسان کنیم و بعد به حل مسئله واحدهای خواسته شده یکسان است.

## درسنامه آقای یعقوبی

درسنامه درس یازدهم، فصل سوم: رشد و پیشرفت اقتصادی

اقتصاد - پایه دهم رشته علوم انسانی

$$\text{مواد غذایی} = 500 \times 30/000/000 = 15/000/000/000$$

$$\text{ماشین آلات} = 5000 \times 50/000/000 = 250/000/000/000$$

$$\text{پوشاک} = 15/000 \times 500/000 = 7/500/000/000$$

$$\text{خدمات} = \frac{2}{3} \times 7/500/000/000 = 5/000/000/000$$

$$\text{هزینه استهلاك} = \frac{2}{25} \times 250/000/000/000 = 20/000/000/000$$

$$\text{تولید ناخالص داخلی} = 15/000/000/000 + 250/000/000/000 + 7500/000/000 + 5000/000/000 = 277/500/000/000$$

$$\text{تولید خالص داخلی} = 277/500/000/000 - 20/000/000/000 = 257/500/000/000$$

$$\text{سهم متوسط هر فرد از میزان درآمد یا تولید کل جامعه} = \frac{257/500/000/000}{50/000/000} = 5140$$

\* برای محاسبه تولید سرانه، کل درآمد یا تولید جامعه را بر جمعیت کشور تقسیم می کنیم.



۲- با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر: (کنکور ۹۹)

الف) استهلاك سرمايه ثابت

ب) توليد ناخالص داخلي

ج) توليد خالص داخلي

د) توليد خالص داخلي سرانه در اين جامعه چقدر است؟

۱	استهلاك سرمايه ثابت	۱	توليد ناخالص داخلي G.D.P
۲	توليد ۳۰ دستگاه ماشين آلات نساجي به ارزش	۲	۴۸۰ ميليون ريال
۳	ارزش مواد غذايي	۳	۶۰٪ ارزش توليدات در بخش صنعت
۴	ارزش كالاهاى واسطه اى و مواد اوليه به كاررفته در بخش صنعت و مواد غذايي	۴	۲۴۰ ميليون ريال
۵	ارزش خدمات ارائه شده به وسيله بخش خصوصى	۵	۵۰٪ مجموع ارزش بخش صنعت و مواد غذايي
۶	تعداد جمعيت	۶	۲۰ ميليون نفر

ارزش كالاهاى واسطه اى و مواد اوليه به كاررفته در بخش صنعت و مواد غذايي در اين سوال محاسبه نمى شود چون ارزش اين كالاها در بطن كالاهاى نهايي مى باشد.

**\*\* بخش صنعت منظور همان ماشين آلات نساجي مى باشد. \*\***

$$\text{ارزش مواد غذايي} = \frac{480 \times 60}{100} = 288$$

$$\text{ارزش خدمات} = \frac{288 \times 50}{100} = 144 \quad \text{و} \quad 288 + 480 = 768$$

اقتصاد- پایه دهم رشته علوم انسانی

درسنامه درس یازدهم، فصل سوم: رشد و پیشرفت اقتصادی

$$\text{ب) توليد ناخالص داخلي} = 480 + 288 + 384 = 1152$$

$$\text{الف) استهلاك سرمايه ثابت} = \frac{1152}{3} = 384$$

$$\text{ج) توليد خالص داخلي} = 1152 - 384 = 768$$

$$\text{د) توليد خالص داخلي} = \frac{768}{4} = 192$$

۳- در یک جامعه یک دستگاه کالای سرمایه ای را به قیمت ۸۵ میلیارد ریال خریداری کرده ایم و عمر مفید آن ۵ سال است. (کنکور ۹۵)

الف: چنانچه در دو سال آخر عمر مفید، این کالای سرمایه ای ۷٪ افزایش بهاداشته باشد مجموع هزینه ی استهلاك دو سال آخر چه مقدار خواهد بود؟

ب: قیمت جدید این کالای سرمایه ای کدام است؟

ج: هر سال چه مقداری به عنوان هزینه ی استهلاك باید کنار بگذاریم؟

$$\text{الف) } \frac{85 \times 7}{100} = 5.95$$

$$\text{ب) قیمت جدید کالا} = 90.95$$

$$\text{ج) } 85 + 5.95 = 90.95$$

$$\frac{90.95}{5} = 18.19$$

$$18.19 \times 2 = 36.38$$

$$\text{ج) هزینه استهلاك سالانه} = 17$$



۴- باتوجه به اطلاعات جدول اگر مجموع ارزش اقلام ماشین آلات و موادغذایی و پوشاک در یک جامعه فرضی ۱۵۰ میلیارد ریال باشد. (کنکور ۹۵-۹۸)

الف) تولیدخالص ملی :

ب: تولیدخالص داخلی سرانه:

ج: تولیدناخالص داخلی :

A	جمعیت کل کشور	۳۵ میلیون نفر
B	تولید خارجیان مقیم کشور	۴۴ میلیارد ریال
C	هزینه استهلاك	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند
D	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{4}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
E	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	۴۵ میلیارد ریال

$$۳۰ = \frac{2}{3} \times ۴۵ = \text{هزینه استهلاك}$$

اقتصاد- پایه دهم رشته علوم انسانی

درسنامه درس یازدهم، فصل سوم: رشد و پیشرفت اقتصادی

$$\text{خدمات} = \frac{1}{4} \times ۴۴ = ۱۱$$

$$\text{تولید خالص ملی (الف)} = ۱۵۰ + ۱۱ + ۴۵ = ۲۰۶$$

$$۲۰۶ - ۳۰ = ۱۷۶$$

$$\text{تولید خالص داخلی سرانه (ب)} = ۱۵۰ + ۱۱ + ۴۴ = ۲۰۵$$

$$۲۰۵ - ۳۰ = ۱۷۵$$

$$\frac{۱۷۵}{۳۵} = ۵$$

$$\text{تولید ناخالص داخلی (ج)} = ۱۵۰ + ۱۱ + ۴۴ = ۲۰۵$$

۵- باتوجه به اطلاعات جدول چنانچه مجموع ارزش اقلام پوشاک، ماشین آلات و موادغذایی در یک جامعه ۱۶۵

میلیارد ریال باشد. (کنکور ۹۴)

الف: تولید خالص ملی:

ب: تولید ناخالص داخلی:

ج: تولید خالص ملی سرانه:

A	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	۳۰ میلیارد ریال
B	جمعیت کل کشور	۱۱۰ میلیون نفر
C	هزینه استهلاك	$\frac{1}{5}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند
D	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	۸۵ میلیارد ریال
E	ارزش خدمات ارائه شده	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور

$$۱۷ = \frac{1}{5} \times ۸۵ = \text{استهلاك}$$

$$۲۰ = \frac{2}{3} \times ۳۰ = \text{خدمات ارائه شده}$$

$$\text{تولید خالص ملی (الف)} = ۱۶۵ + ۲۰ + ۸۵ = ۲۷۰$$



$$270 - 17 = 253$$

$$215 = 30 + 20 + 165 = \text{تولید ناخالص داخلی (ب)}$$

$$\text{سهم متوسط هر فرد از میزان درآمدی تولید کل جامعه} = \frac{253}{110} = \frac{2}{3} = \text{جامعه (ج) سرانه ملی}$$

## درسنامه اکسپلین

اقتصاد - پایه دهم رشته علوم انسانی

درسنامه درس یازدهم، فصل سوم: رشد و پیشرفت اقتصادی

### درآمد ملی - درآمد سرانه - مفهوم سرانه

۶- جدول زیر، بیانگر ارقام درآمدی است که در طول یکسال نصیب یک جامعه فرضی شده است؛ چنانچه جمعیت کل این جامعه ۵۰ میلیون نفر باشد. در این صورت: **(کنکور ۹۹)**

الف) درآمد ملی این جامعه، چقدر است؟

ب) درآمد سرانه آن کدام است؟

ج) مفهوم و معنای سرانه چیست؟

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان سرمایه	۹۸۹۷ میلیارد ریال
۲	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمد ریف های: ۶ و ۱
۳	سود شرکت ها و موسسات	$\frac{2}{3}$ درآمد صاحبان سرمایه
۴	دستمزدها	۶۴۴۲ میلیارد ریال
۵	درآمد حقوق بگیران	$\frac{1}{5}$ مجموع درآمد ریف های: ۴ و ۶
۶	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۸۸۵۶ میلیارد ریال

$$\text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد} = \frac{1}{3} \times (9897 + 8856) = 6251$$

$$\text{سود شرکت ها و موسسات} = \frac{2}{3} \times 9897 = 6598$$

$$\text{درآمد حقوق بگیران} = \frac{1}{5} \times (6442 + 8856) = 3059/6$$

$$\text{درآمد ملی (الف)} = 9897 + 6251 + 6598 + 6442 + 3059/6 + 8856 = 41103/6$$

$$\text{درآمد سرانه (ب)} = \frac{41103/6}{50} = 822/072$$

سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمدی تولید جامعه (ج)

۷- جدول زیر، دربردارنده ی ارقام مختلف درآمدی است که در طول یکسال نصیب یک جامعه ی فرضی شده است. باتوجه به مندرجات این جدول: **(کنکور ۹۸)**

الف) درآمد ملی این جامعه، چقدر است؟

ب) معنا و مفهوم سرانه چیست؟

ج) درآمد سرانه این جامعه، کدام است؟



ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان سرمایه	۴۹۳ میلیارد ریال
۲	درآمد حقوق بگیران	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمدردیف های او و ۷
۳	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{2}{5}$ مجموع درآمدردیف های او و ۵
۴	جمعیت کل کشور	۴۵ میلیون نفر
۵	سود شرکت ها و موسسات	۴۴۷ میلیارد ریال
۶	دستمزدها	$\frac{2}{3}$ سود شرکت ها و موسسات
۷	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۳۹۳ میلیارد ریال

$$\text{درآمد حقوق بگیران} = \frac{1}{3} \times (493 + 393 = 886) = 295/33$$

$$\text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد} = \frac{2}{5} \times (493 + 447 = 940) = 376$$

$$\text{دستمزدها} = \frac{2}{3} \times 447 = 298$$

$$\text{درآمد ملی (الف)} = 493 + 295/33 + 376 + 447 + 298 + 393 = 2302/33$$

**سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمدهای تولید جامعه (ب)**

$$\text{درآمد سرانه (ج)} = \frac{2302/33}{45} = 51/16$$

محاسبه به قیمت جاری و قیمت ثابت (سال پایه)

۸- چنانچه در یک جامعه فرضی میزان تولید کل در طی سه سال متوالی به ترتیب سال اول: ۴۰۰۰ سال دوم: ۴۸۴۰ سال سوم: ۵۹۶۰ میلیارد ریال باشد. با انتخاب سال اول به عنوان سال پایه، میزان تولید کل جامعه در سه سال مورد نظر بر حسب قیمت های سال پایه به ترتیب ۴۰۰۰-۴۲۳۰ و ۴۸۶۰ تغییر می یابد. براساس این محاسبات به ترتیب از راست به چپ: **(کنکور ۹۹)**

الف) افزایش قیمت ها در سال دوم و سال سوم کدام است؟

ب) کدام اعداد مربوط به پدیده تورم در سال دوم و سال سوم در این جامعه است؟

ج) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سال سوم، کدام است؟

الف) افزایش در قیمت سال دوم  $610 = 4230 - 4840$

افزایش در قیمت سال سوم  $1100 = 5960 - 4860$

تورم در سال دوم  $610$  ب)

تورم در سال سوم  $1100$

افزایش تولید سال دوم  $230 = 4230 - 4000$  ج)

افزایش تولید سال سوم  $860 = 4860 - 4000$



۹- با توجه به اطلاعات داده شده تولید کل به قیمت جاری در سال ۹۲ و تولید کل به قیمت ثابت (سال پایه) در سال

۹۲ چیست؟ سال ۹۰ سال پایه می باشد. (کنکور ۹۴)

الف: تولید کل به قیمت جاری در سال ۹۲

ب: تولید کل به قیمت ثابت در سال ۹۲

سال ۹۲		سال ۹۰		کالا
مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	
۷۵	۴۰۰	۱۵۰	۳۰۰	A
۷۰۰	۱۲۰	۴۰۰	۶۰	B

$$\text{الف: } (75 \times 400) + (700 \times 120) = 114000$$

$$\text{ب: } (75 \times 300) + (700 \times 60) = 64500$$

۱۰- میزان تولید کل کشوری در سه سال متوالی به ترتیب ۶۰۰۰-۶۶۰۰ و ۷۵۰۰ میلیارد ریال می باشد. اگر سال اول را سال پایه انتخاب کنیم تولیدات این کشور بر حسب قیمت های سال پایه به

ترتیب ۶۰۰۰-۶۴۲۰ و ۶۸۴۰ تغییر می یابد. (کنکور ۸۷)

الف: افزایش تولید در سال سوم:

$$6840 - 6000 = 840$$

ب: افزایش قیمت (تورم) در سال سوم:

$$7500 - 6840 = 660$$

#### شاخص سنجش توزیع درآمد (دهک)

۱۱- در کشوری نسبت سهم دهک دهم به دهک اول جامعه از درآمد ملی در سالهای ۸۱-۸۲-۸۳ و ۸۴ به ترتیب برابر  $7/5$  -  $6$  و  $5/5$  و  $5$  می باشد وضعیت توزیع درآمد این کشور در چه سالی مناسب تر

است؟ (کنکور ۸۵)

\* هرچه عدد کوچکتر باشد توزیع درآمد عادلانه تر است چون سال ۸۴ عددش از بقیه کوچکتر است پس توزیع درآمد در این سال از بقیه ی سالها بهتر می باشد.

اقتصاد- پایه دهم رشته علوم انسانی

درسنامه درس یازدهم، فصل سوم: رشد و پیشرفت اقتصادی

۱۲- مندرجات جدول زیر، بیانگر وضعیت توزیع درآمد در کشور A در سال ۱۹۸۰ میلادی بر اساس شاخص

دهک ها است. (کنکور ۹۹)

چنانچه:

تفاوت سهام اول و چهارم: ۴ درصد

تفاوت سهام دهم و هفتم: ۵/۵ درصد

تفاوت سهام دهم و پنجم: ۷ درصد

تفاوت سهام ششم و دهم: ۱۵ درصد باشد در این صورت:

سهم دهک اول و دهک دوم و سهم دهک نهم و سهم دهک دهم به ترتیب چند درصد است؟

جدول وضعیت توزیع درآمد در کشور A در سال ۱۹۸۰ میلادی	
سهم هر گروه به درصد	گروه های درآمدی
؟	سهم دهک اول
؟	سهم دهک دوم
۶ درصد	سهم دهک سوم
۷ درصد	سهم دهک چهارم
۸ درصد	سهم دهک پنجم
۹ درصد	سهم دهک ششم
۱۰/۵ درصد	سهم دهک هفتم
۱۲/۵ درصد	سهم دهک هشتم
؟	سهم دهک نهم
؟	سهم دهک دهم
صدد درصد درآمد ملی	صدد درصد جمعیت کشور

$$۳ = ۷ - ۴ \leftarrow \text{سهم دهک اول}$$

$$۵ = ۱۰/۵ - ۵/۵ \leftarrow \text{سهم دهک دوم}$$

$$۱۵ = ۸ + ۷ \leftarrow \text{سهم دهک نهم}$$

$$۲۴ = ۹ + ۱۵ \leftarrow \text{سهم دهک نهم}$$

۱۳- بر اساس اطلاعات زیر سهم دهک های مختلف را حساب کنید: چنانچه تفاوت سهام دهک اول الی دهک چهارم ۱ درصد تفاوت سهام دهک ششم و هشتم ۳ درصد- تفاوت سهام دهک هشتم و دهم ۱۱ درصد باشد، سهم دهک دوم- چهارم- هشتم و دهم را حساب کنید. (کنکور ۸۸)

اقتصاد- پایه دهم رشته علوم انسانی

درسنامه درس یازدهم، فصل سوم: رشد و پیشرفت اقتصادی

جدول توزیع درآمد	ایران در سال ۷۷
سهم دهک اول	۴ درصد
سهم دهک دوم	؟
سهم دهک سوم	۶ درصد
سهم دهک چهارم	؟
سهم دهک پنجم	۹ درصد
سهم دهک ششم	۹ درصد
سهم دهک هفتم	۱۰/۵ درصد
سهم دهک هشتم	؟
سهم دهک نهم	۱۴/۵ درصد
سهم دهک دهم	؟
۱۰۰ درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی

$$۵ = ۴ + ۱ \leftarrow \text{سهم دهک دوم}$$

$$۷ = ۶ + ۱ \leftarrow \text{سهم دهک چهارم}$$

$$۱۲ = ۹ + ۳ \leftarrow \text{سهم دهک هشتم}$$

$$۲۳ = ۱۲ + ۱۱ \leftarrow \text{سهم دهک نهم}$$

دهک دوم ۵ درصد - دهک چهارم ۷ درصد، دهک هشتم ۱۲ درصد - دهک دهم ۲۳ درصد



۱۴- جدول زیر وضعیت توزیع درآمد مربوط به کشوری را در طول یکسال نشان می دهد با توجه به آن:  
**(کنکور ۹۷)**

الف: سهم دهک سوم، ششم و هفتم به ترتیب کدام است؟

ب: سهم بیست درصد بالا و سهم بیست درصد پایین هر کدام به ترتیب چقدر است؟

ج: عدد مربوط به شاخص وضعیت توزیع درآمد کدام است؟

وضعیت توزیع درآمد در یک کشور	
سهم هر گروه به درصد	گروه های درآمدی
۲	سهم دهک اول
۳	سهم دهک دوم
؟	سهم دهک سوم
۷/۵	سهم دهک چهارم
۱۰	سهم دهک پنجم
؟	سهم دهک ششم
؟	سهم دهک هفتم
۱۲	سهم دهک هشتم
۱۶	سهم دهک نهم
۲۲	سهم دهک دهم

۱) الف: چهار - یازده و نیم - دوازده (ب) ۵ - ۳۸ (ج) ۱۱

۲) الف: پنج - ده و نیم - دوازده (ب) ۵ - ۳۸ (ج) ۱۱

۳) الف: شش - ده - یازده و نیم (ب) ۵ - ۳۸ (ج) ۱۰/۵

۴) الف: سه و نیم - دوازده - دوازده (ب) ۵ - ۳۸ (ج) ۱۰/۵

\*نکته: دهک ها همه از لحاظ جمعیتی با هم مساوی هستند و مجموع آنها باید ۱۰۰ درصد جمعیت کشور باشد سهم دهک ها از دهک اول به سمت دهک دهم هر چه به جلو برویم بیشتر می شود یا مساوی هست نسبت به دهک قبل از خودش، ولی هیچ وقت دهک بعدی از دهک قبلی سهمش کمتر نیست.

## درسنامه آسانی بقترب

اقتصاد - پایه دهم رشته علوم انسانی

درسنامه درس یازدهم، فصل سوم: رشد و پیشرفت اقتصادی

۱۲ - ۱۰/۵ - ۵ ← قسمت الف با توجه به گزینه ها مشخص می شود. (الف)

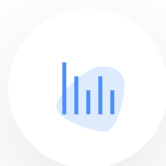
ب) سهم بیست درصد بالا ←  $(۲۲+۱۶)=۳۸$   
 سهم بیست درصد پایین ←  $(۲+۳)=۵$

ج)  $\frac{۲۲}{۲} = ۱۱$  → شاخص وضعیت توزیع درآمد یعنی  $\frac{\text{دهک دهم}}{\text{دهک اول}}$



## اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



**تمام پایه ها**

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



**همیشه رایگان**

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد